یادداشت



جمشید حمیدی
کارشناس والیبال

تجربه‌هایی که خاک می‌خورد

پیشکسوت نیازی به تعریف ندارد؛ او دنیایی از علم و تجربه است. همان‌طور که فردوسی می‌گوید: «گرامی دار پیران کهن‌دار که در پیری بدانی این سخن را». اما در ایران، برخلاف وعده‌ها و شعارها، پیشکسوتان ورزشی آن‌طور که شایسته است مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

برای نمونه، رئیس فدراسیون فوتبال انگلیس در دهه ۱۹۲۰ تا سن ۸۲ سالگی، یعنی تا پایان عمر، ریاست این فدراسیون را برعهده داشت. همچنین شیمائوکا، یکی از بازیکنان افسانه‌ای والیبال ژاپن، تا ۷۲ سالگی رئیس فدراسیون والیبال کشورش بود. حتی جان اسپروا، سرمربی سابق تیم ملی والیبال آمریکا، امروز سکاندار فدراسیون والیبال این کشور است. با مرور این نمونه‌ها، به‌راحتی می‌توان تفاوت فاحش نگاه به پیشکسوتان در ورزش ایران و جهان را دریافت.

وقتی مدیران ورزشی از خارج از بدنه ورزش انتخاب می‌شوند و شناختی از درون این حوزه ندارند، طبیعی است که پیشکسوتان نیز جایگاه شایسته‌ای در ساختار مدیریتی ورزش پیدا نکنند؛ چراکه چنین مدیرانی نه شناخت کافی از ماهیت ورزش دارند و نه به اهمیت تجربه و دانش پیشکسوتان اعتقاد دارند.

نسل جوان، سرمایه اصلی ورزش ایران به شمار می‌رود و برای جلوگیری از تکرار آزمون و خطاهای گذشته، باید از تجربه و دانش پیشکسوتان بهره گرفت. در بسیاری از کشورهای جهان، استفاده از ظرفیت پیشکسوتان نه‌تنها در ورزش، بلکه در حوزه‌هایی مانند رسانه نیز امری مرسوم است.

ورزش ایران از نظر استعداد غنی است و مسئولان ورزشی نیز بارها مدعی شده‌اند که پیشکسوتان می‌توانند آینه راه نسل جوان باشند؛ اما این ادعا اغلب در حد حرف باقی می‌ماند و اقدام عملی مؤثری برای انتقال تجربه و دانش پیشکسوتان به نسل جدید صورت نمی‌گیرد. نتیجه چنین رویکردی آن است که نسل جوان ناچار می‌شود همان مسیری را طی کند که پیشکسوتان پیش‌تر پیموده‌اند؛ مسیری که گاه با تکرار اشتباهات و آزمون و خطاهای گذشته همراه است.

آنچه می‌تواند برای باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها راهگشا باشد، همفکری و مشورت مستمر با پیشکسوتان است. بهترین رویکرد آن است که مدیران باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها پیش از وقوع اتفاقات و بروز مسائل، از دیدگاه و تجربه بزرگان ورزش بهره بگیرند؛ نه اینکه پس از وقوع یک اتفاق و شکل‌گیری چالش، آنها را برای یافتن راه‌حل و رفع مشکلات گردهم بیاورند.

بی‌توجهی به پیشکسوتان مانند خاک خوردن کتاب‌های ارزشمند در قفسه‌های کتابخانه است؛ کتاب‌هایی سرشار از دانش و تجربه که تا زمانی که خوانده و به کار گرفته نشوند، نمی‌توان از گنجینه نهفته در آنها بهره‌ای برد.

یادداشت



نادر فرهاد شیران
رئیس کمیته پیشکسوتان فوتبال

بزرگان فراموش‌شده

پیشکسوتان ورزش ایران را باید فراموش‌شدگان مستطیل سبز نامید؛ مردانی که روزگاری با هنرنمایی خود شور، هیجان، شادی و غرور را به سکوهای ورزشگاه‌ها هدیه می‌کردند، اما پس از خداحافظی با فوتبال، به‌تدریج از حافظه مدیریتی باشگاه‌ها کنار گذاشته شدند. تأسف‌بارتر اینکه بسیاری از این چهره‌ها، با وجود سال‌ها تلاش و افتخارآفرینی، امروز جایگاه شایسته‌ای در ساختار فوتبال کشور ندارند. البته برخی باشگاه‌ها تا حدودی حرمت موسفیدان فوتبال را حفظ می‌کنند، اما این رویکرد فراگیر نیست و بسیاری از تیم‌ها حتی ارتباطی با بازیکنان و مربیان نسل‌های گذشته خود ندارند. حال آنکه مردم همچنان چهره‌هایی مانند همایون شاهرخی و محمد مایلی‌کهن را می‌شناسند و برای سال‌ها حضور و خدمتشان در فوتبال احترام قائلند. پس مشکل را باید در کجا جست‌وجو کرد؟

پاسخ این سؤال را بیش از هر چیز باید در مدیریت غیرفوتبالی باشگاه‌ها جست‌وجو کرد؛ مدیرانی که بدون سابقه و شناخت کافی از فضای ورزش بر صندلی مدیریت تکیه می‌زنند و طبیعی است که نه شناخت دقیقی از بزرگان گذشته دارند و نه برنامه‌ای برای بهره‌گیری از دانش و تجربه آنان تدوین می‌کنند. این در حالی است که در فوتبال اروپا، باشگاه‌ها سازوکارهایی برای حمایت از پیشکسوتان دارند و بخشی از منابع مالی، از جمله درصدی از قرارداد بازیکنان، به صندوق‌های حمایتی اختصاص می‌یابد. اما در ایران نه حمایت مالی نظام‌مندی وجود دارد و نه حتی احوالپرسی و پیگیری وضعیت بسیاری از بازیکنان قدیمی جدی گرفته می‌شود؛ مگر آنکه سرنوشتی مشابه حسن حبیبی و حمید علیدوستی پیدا کنند. حتی صندوق حمایت از قهرمانان نیز در نهایت مقرری ناچیز دو میلیون تومانی به برخی از آنان پرداخت می‌کند.

امروز بیش از هر زمان دیگری باید حرمت بزرگان فوتبال حفظ شود و جایگاه آنان در ساختار تصمیم‌گیری ارتقا یابد. حضور چهره‌های باتجربه و صاحب‌سابقه، بویژه سرمربیان پیشین تیم ملی، در کمیته فنی فدراسیون می‌تواند به تصمیم‌سازی اصولی‌تر و هدایت بهتر سرمربی تیم ملی کمک کند.

بی‌تردید پیشکسوتان سرمایه‌های زنده فوتبال ایران هستند. آنان با کوله‌باری از تجربه می‌توانند در باشگاه‌ها و تیم ملی نقش‌آفرین باشند و با مشورت و همفکری، بسیاری از چالش‌های فوتبال را برطرف کنند. فراموش نکنیم احترام به بزرگان، نه لطفی از سر ترحم، بلکه ادای دین به کسانی است که سال‌ها برای اعتبار فوتبال ایران زحمت کشیده‌اند.

«ایران» ضرورت بازتعریف جایگاه پیشکسوتان در ساختار مدیریتی ورزش را بررسی می‌کند

تراژدی خانه‌نشینی سرمایه‌ها

سینا حسینی / ورزش تنها با سرمایه‌گذاری مالی، جذب مربیان پرآوازه و استخدام بازیکنان توانمند به موفقیت نمی‌رسد؛ بلکه بخش مهمی از مسیر پیشرفت آن به بهره‌گیری از تجربه و دانش کسانی وابسته است که سال‌های عمر خود را در میدان رقابت، مدیریت و سازندگی سپری کرده‌اند. پیشکسوتان، گنجینه‌ای ارزشمند از تجربه‌های عملی، شناخت فضای ورزش و آگاهی از فراز و نشیب‌های این عرصه هستند؛ سرمایه‌هایی که متأسفانه در بخش قابل توجهی از ورزش ایران، جایگاه شایسته‌ای ندارند.

نگاهی به ساختار باشگاه‌های معتبر اروپایی نشان می‌دهد که پیشکسوتان تنها چهره‌هایی برای حضور در مراسم تجلیل و یادآوری افتخارات گذشته نیستند. آنها در جایگاه مشاور، مدیراجرایی، عضو هیأت‌مدیره، سفیر باشگاه و مسئول ارتباط با هواداران فعالیت می‌کنند و در انتقال فرهنگ باشگاهی، حفظ هویت مجموعه، تربیت نسل جدید و اتخاذ تصمیم‌های راهبردی نقش دارند.

در ورزش ایران اما شرایط کاملاً متفاوت است. بسیاری از پیشکسوتان پس از پایان دوران فعالیت حرفه‌ای، به حاشیه رانده می‌شوند و ارتباط شان با باشگاه‌هایی که سال‌ها برای اعتلای نام آنها تلاش کرده‌اند، به دعوت‌های مناسبتی و حضورهای تشریفاتی خلاصه می‌شود. البته برخی باشگاه‌ها از ظرفیت تعدادی از چهره‌های قدیمی استفاده کرده‌اند، اما این اقدامات پراکنده پاسخگوی نیاز ورزش کشور نیست. بخش قابل توجهی از موسپیدکرده‌های ورزش همچنان از چرخه تصمیم‌سازی و مدیریت کنار گذاشته شده‌اند؛ گویی تجربه چندین دهه فعالیت، پس از پایان دوران قهرمانی دیگر ارزشی ندارد.

برای تغییر این وضعیت، مدیران باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها باید از رویکردهای نمادین عبور کنند و ساختارهای اجرایی مشخصی به وجود آورند. تشکیل شورای راهبردی پیشکسوتان با حضور چهره‌های متخصص و صاحب‌تجربه می‌تواند نقطه آغاز این تحول باشد؛ شورایی که در برنامه‌ریزی بلندمدت، توسعه ورزش پایه و سیاست‌گذاری فنی مشارکت داشته باشد. میزان تحقق این اقدام نیز باید با شاخص‌هایی مانند تعداد جلسات منظم شورا، تعداد پیشنهادهای ارائه‌شده، میزان بررسی و اجرای مصوبات و حضور مؤثر اعضا در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی سنجیده شود. استفاده از پیشکسوتان به‌عنوان مشاور فنی، مدیر توسعه آکادمی، عضو کمیته استعدادیابی یا مسئول انتقال فرهنگ باشگاهی می‌تواند تجربه نسل گذشته را به بدنه اجرایی ورزش پیوند دهد. برای ارزیابی این رویکرد نیز باید تعداد پیشکسوتان دارای مسئولیت مشخص، میزان اختیارات واقعی آنها، استمرار حضورشان و نتایج فعالیت‌های محول‌شده مورد بررسی قرار گیرد. ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از سوابق و تخصص‌های پیشکسوتان نیز باید با معیارهایی مانند تعداد افراد شناسایی‌شده، تکمیل پرونده حرفه‌ای و میزان استفاده واقعی از این اطلاعات ارزیابی شود.

برگزاری نشست‌های تخصصی میان پیشکسوتان، مربیان جوان و ورزشکاران مستعد، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و حضور در آکادمی‌ها باید به برنامه‌ای مستمر تبدیل شود. تعداد دوره‌های برگزارشده، میزان مشارکت ورزشکاران و مربیان، استمرار برنامه‌ها و ارزیابی تأثیر آموزش‌ها بر عملکرد نسل جوان، معیارهایی هستند که می‌توانند میزان موفقیت این بخش را مشخص کنند. از سوی دیگر، اختصاص بودجه مشخص به برنامه‌های پیشکسوتان، تأمین بیمه تکمیلی، حمایت درمانی و تسهیلات رفاهی باید بخشی از تعهدات مدیریتی باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها باشد. میزان بودجه تخصیص‌یافته، تعداد افراد برخوردار از خدمات حمایتی و سرعت رسیدگی به درخواست‌های درمانی و رفاهی، شاخص‌های قابل سنجشی برای ارزیابی عملکرد مدیران در این حوزه خواهند بود.

منصور رشیدی، دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

پیشکسوتان احترام می‌خواهند نه قرارداد میلیاردی

مهری رنجبر / بازنشستگی برای بسیاری از ورزشکاران حرفه‌ای، به معنای پایان دوران قهرمانی و آغاز فصلی تازه از زندگی است؛ فصلی که در فوتبال حرفه‌ای جهان، اغلب با حضور در عرصه مدیریت، مربیگری، استعدادیابی و انتقال تجربه به نسل‌های بعدی همراه می‌شود. اما در فوتبال ایران، خداحافظی با مستطیل سبز، برای بسیاری از چهره‌های نام‌آشنای این رشته، به معنای خروج تدریجی از دایره توجه و فراموش‌شدن است.

منصور رشیدی، دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال ایران و استقلال در گفت‌وگو با «ایران» از بی‌توجهی به پیشکسوتان، شرایط نامناسب معیشتی قهرمانان و جایگاه صوری آنها در ساختار باشگاه‌ها گلایه می‌کند.

منصور رشیدی با انتقاد از وضعیت پیشکسوتان در فوتبال ایران می‌گوید: «اصلاً در ورزش، بویژه فوتبال، پیشکسوتان جایگاهی ندارند. بازنشستگی برای ما انگار آغاز یک کابوس است. من بعد از سال‌ها حضور در دروازه تیم ملی و باشگاه استقلال، وقتی از فوتبال خداحافظی کردم، مدتی هم مربی تیم امید بودم، اما بعد از آن دیگر نه کسی سراغی از من گرفت و نه کسی با من صحبتی کرد. پیشکسوتان تا زمانی که زنده هستند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. نمونه‌اش زنده‌یاد حمید علی‌دوستی و حسن حبیبی که وقتی از میان ما رفتند، تازه همه به یادشان افتادند و شروع به تعریف و تمجید از آنها کردند. ما بازیکنی داشتیم که بعد از بازنشستگی در شرایط بسیار اسفناکی زندگی می‌کرد. به طوری که یکی از دوستانش هزینه‌های زندگی او، از جمله اجاره خانه و درمانش را می‌پرداخت و این بازیکن هم سال گذشته از دنیا رفت.»



او در ادامه، شرایط پیشکسوتان فوتبال در ایران را با وضعیت همتایان خارجی خود مقایسه می‌کند و معتقد است در فوتبال حرفه‌ای جهان، پایان دوران بازیگری به معنای کنار گذاشته‌شدن از فضای باشگاه نیست: «پیشکسوتان خارجی اصلاً چنین شرایطی ندارند. معمولاً در باشگاه‌های خودشان مشغول به کار می‌شوند و حتی برای تماشای مسابقات تیم باشگاهی یا تیم ملی‌شان، در جایگاه ویژه حضور پیدا می‌کنند. شرایط آنها اصلاً شبیه ما نیست. در این ۵۰ سال، حتی یک بار هم فدراسیون یا باشگاه ما را برای تماشای مسابقات دعوت نکرده است. حدود ۱۰ سال پیش هم با تعدادی از پیشکسوتان برای تماشای بازی استقلال با یک تیم دیگر به ورزشگاه رفتیم، اما حتی اجازه ورود را هم به ما ندادند.»

او با انتقاد از مبالغ پرداختی صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان می‌گوید: «حدود ۱۰ تا ۱۵ سال است که کمیته پیشکسوتان در صندوق حمایت از قهرمانان راه‌اندازی شده و قهرمانان آسیا، جهان و المپیک از این صندوق حقوق دریافت می‌کنند. من ۱۲ سال پیش، به دلیل اینکه مرد طلایی بازی‌های آسیایی ۱۹۵۳ شده بودم و با در نظر گرفتن امتیاز قهرمانی آسیا و حضور در جام جهانی، در جایگاه دوم قرار گرفتم، اما حقوقی که برایم تعیین کردند ۱۸۰ هزار تومان بود. برای علی جباری هم ۱۲۰ هزار تومان در نظر گرفتند. حالا بعد از ۱۲ سال، حقوق من به دو میلیون و ۵۰ هزار تومان رسیده که حتی کفاف خرید نان را هم نمی‌دهد. اگر حقوق بازنشستگی خودم را نداشتم، معلوم نبود امروز چه وضعیتی پیدا می‌کردم.»

او معتقد است کسانی که سال‌ها در بالاترین سطح فوتبال فعالیت کرده‌اند، بیش از هر چیز به احترام و فرصتی برای ادامه حضور در این عرصه نیاز دارند. منصور رشیدی در این باره می‌گوید: «ما تا وقتی زنده هستیم، فقط احترام می‌خواهیم نه قرارداد میلیاردی. مگر قرار است برای ما چه کار کنند؟ با تجربه‌ای که داریم، می‌توانیم به تیم‌های باشگاهی، تیم‌های پایه و حتی تیم‌های ملی کمک کنیم. زمانی که در تیم امید بودم، ۱۷ تا ۱۸ دروازه‌بان را انتخاب کردم که از میان آنها چهار نفر، از جمله علیرضا بیرانوند و حسینی، انتخاب شدند. این نشان می‌دهد پیشکسوتان می‌توانند در شناسایی و پرورش استعدادها نقش داشته باشند، اما اصلاً ما را به حساب نمی‌آورند.»

گلایه رشیدی به عضویت خود در هیأت‌مدیره باشگاه استقلال بازمی‌گردد؛ عضویتی که به گفته او، بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و هیچ فرصتی برای مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری‌های باشگاه فراهم نکرده است: «چهار سال پیش عضو هیأت‌مدیره باشگاه استقلال شدم، اما تا امروز حتی یک بار هم با من تماس نگرفته‌اند؛ چه برسد به اینکه برای حضور در جلسه‌ای دعوتم کنند. همه چیز نمایشی و در حد حرف است. آنهایی هم که به کار گرفته می‌شوند، فقط برای این است که تصمیم‌های مدیرعامل باشگاه را تأیید کنند و بس.»



> حقوقی که برایم تعیین کردند ۱۸۰ هزار تومان بود. برای علی جباری هم ۱۲۰ هزار تومان در نظر گرفتند. حالا بعد از ۱۲ سال، حقوق من به دو میلیون و ۵۰ هزار تومان رسیده که حتی کفاف خرید نان را هم نمی‌دهد

ناصر ابراهیمی، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت و گو با «ایران»

خانه‌نشینی و دوری از مردم پیشکسوتان را آزار می‌دهد

گروه ورزشی/ ناصر ابراهیمی، دومین سرمربی تیم ملی فوتبال ایران پس از انقلاب، در گفت‌وگو با «ایران» از فراموش شدن پیشکسوتان و ضرورت استفاده از تجربه آنها در مدیریت باشگاه‌ها و فوتبال کشور گلایه دارد و تأکید می‌کند احترام به پیشکسوتان نباید در حد شعار باشد.

ناصر ابراهیمی با انتقاد از وضعیت پیشکسوتان فوتبال ایران معتقد است این افراد جایگاه شایسته‌ای در ساختار ورزش ندارند و توجه به آنها اغلب به برگزاری مراسم‌های نمادین محدود شده است. او در این باره می‌گوید: «امروز پیشکسوتان در فوتبال ایران هیچ جایگاهی ندارند و ورزش و فوتبال هم علاقه‌ای به استفاده از ما ندارند. متأسفانه در ورزش باب شده که تقدیر از پیشکسوتان فقط به مراسم بدرقه در ورزشگاه شیرودی محدود شود. به نظرم این ورزشگاه بیشتر از جامعه ورزش ما را می‌شناسد.»

مربی پیشین تیم فوتبال پرسپولیس با اشاره به پنج دهه فعالیت خود در فوتبال ادامه می‌دهد: «۵۰ سال از عمرم را در فوتبال ایران مربیگری کردم و در سخت‌ترین شرایط ممکن سرمربی تیم ملی شدم و اجازه ندادم فوتبال ایران با مشکل روبه‌رو شود، اما امروز حتی به معمولی‌ترین مراسم‌های فوتبالی هم دعوت نمی‌شوم. به‌شدت از فوتبال دلزده شده‌ام و متأسفم که بگویم دیگر احترامی در این رشته باقی نمانده و تمامی پیشکسوتان خانه‌نشین شده‌اند. بیش از هر چیز، خانه‌نشینی و دوری از مردم ما را آزار می‌دهد. سال‌ها در میان مردم بودیم، اما امروز شاید بسیاری از جوانان هم ما را نشناسند.»

ابراهیمی بخش دیگری از انتقادهای خود را متوجه مدیران ورزشی می‌کند و معتقد است نبود حافظه تاریخی در مدیریت ورزش، به فراموش شدن چهره‌های اثرگذار منجر شده است. او می‌گوید: «مدیرانی که مسئولیت فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها را برعهده می‌گیرند، یا ورزشی نیستند یا حافظه تاریخی ورزشی خود را از دست داده‌اند. ورزش ایران افراد بزرگ کم نداشته و همچنان چهره‌های ارزشمند زیادی دارد. پرسش ما این است، چرا تا زمانی که زنده هستیم، کسی سراغی از ما نمی‌گیرد؟ گاهی هم یادآوری نام پیشکسوتان تنها برای تبلیغات مدیران و جمع کردن رزومه است تا به هواداران نشان دهند برای گذشته باشگاه اهمیت قائل هستند.»

او با لحنی گلایه‌آمیز ادامه می‌دهد: «شاید زمانی به یادشان بیفتد که علیدوستی نامی بوده، حسن حبیبی نخستین سرمربی تیم ملی پس از انقلاب بوده یا ناصر ابراهیمی پنج دوره پرسپولیس را قهرمان کرده است که دیگر در قید حیات نباشیم. آن وقت است که در ردیف اول عزاداران می‌ایستند.»

ابراهیمی برای نمونه به باشگاه رئال مادرید اشاره می‌کند و می‌گوید: «فلورنتینو پرز حدود ۱۷ سال مدیریت این باشگاه را برعهده داشته و بارها از بازیکنان سابق در سمت‌های مختلف استفاده شده است. چنین رویکردی به حفظ جایگاه و اعتبار باشگاه کمک می‌کند.»

او در پایان با قدردانی از حمایت صندوق قهرمانان و پیشکسوتان تأکید می‌کند: «درست است که دریافتی قهرمانان و پیشکسوتان بسیار کم است، اما ارزشی که مدیران این مجموعه برای آنها قائل هستند، ارزشمند است و باید از آنها تشکر کرد.»

منصوربرزگر، سرمربی پیشین تیم ملی کشتی آزاد در گفت‌وگو با «ایران»:

پیشکسوتان باید الگوی جوانان ورزشکار باشند

پریسا غفاری/ سال‌ها حضور در دنیای قهرمانی و مربیگری، تجربه‌ای ارزشمند در اختیار پیشکسوتان ورزش قرار می‌دهد؛ تجربه‌ای که می‌تواند چراغ راه نسل‌های بعدی باشد. جایگاه پیشکسوتان در ساختار ورزش ایران همچنان با آنچه شایسته سال‌ها تلاش و افتخارآفرینی آنهاست، فاصله دارد. منصور برزگر، چهره نام‌آشنای کشتی ایران که سال‌های بسیاری از عمر خود را در این رشته سپری کرده، معتقد است بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی ورزش، نه‌تنها موجب دلسردی پیشکسوتان می‌شود، بلکه استعدادهای جوان را نیز از مسیر ورزش دور می‌کند.



سرمربی پیشین تیم ملی کشتی آزاد در گفت‌وگو با «ایران» با انتقاد از نحوه استفاده مدیران ورزشی از ظرفیت پیشکسوتان می‌گوید: «هر مدیری که سر کار می‌آید به پیشکسوتان کاری ندارد. اگر در بزنگاهی کسی سراغ پیشکسوت برود، تنها از تجربه و اعتبار او به‌عنوان ابزاری برای تأیید حرف‌های خود استفاده می‌کند؛ غافل از اینکه تجربه پدر علم است.»

منصور برزگر معتقد است بی‌توجهی به پیشکسوتان تنها به نادیده گرفتن تجربه آنها در حوزه مدیریت برنمی‌گردد و پیامدهای گسترده‌تری برای ورزش کشور دارد. او در این باره می‌گوید: «ورزش ایران در استعدادکشی نابغه است و متأسفانه در این زمینه هم نمی‌توانیم کاری بکنیم، چون تمام توجه‌ها به سمت فوتبال رفته است. آن‌قدر به فوتبال توجه می‌شود و اسپانسرها به این رشته علاقه دارند که کشتی، وزنه‌برداری و حتی تکواندو، با وجود اینکه بار اصلی مدال‌آوری در بازی‌های المپیک را بر دوش می‌کشند، سهم چندانی از این توجه ندارند.»

او برای روشن شدن ابعاد این بی‌توجهی به رفتار تلویزیون و رسانه‌ها اشاره می‌کند: «وقتی قهرمان کشتی المپیک در رقابت‌های جهانی روی تشک می‌رود، تلویزیون تصویر مبارزه او را قطع می‌کند تا مسابقه فوتبال، آن هم نه بازی تیم ملی، بلکه هفته یازدهم لیگ را نشان دهد، چه انتظاری می‌توان داشت که جوان علاقه‌مند به ورزش به سمت کشتی بیاید؟ چه برسد به اینکه پیشکسوتان این رشته را بشناسد. او با خود فکر می‌کند وقتی رسانه رسمی به قهرمان المپیک اهمیت نمی‌دهد، چرا باید کشتی بگیرم؟ همین نکته‌های به ظاهر کوچک، زمینه فرار استعدادها و بی‌اعتمادی پیشکسوتان را فراهم می‌کند.»

منصور برزگر در ادامه، درباره حمایت‌های مالی از قهرمانان و پیشکسوتان نیز توضیح می‌دهد: «صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان، متناسب با بودجه‌ای که در اختیار دارد و در حد بضاعت خود از این افراد حمایت می‌کند، اما با توجه به شرایط اقتصادی فعلی، مستمری تعیین‌شده برای پیشکسوتانی که اغلب بازنشسته هستند، کفاف زندگی آنها را نمی‌دهد.»

وی پیشکسوتان را گنجینه‌های ارزشمند ورزش کشور می‌داند و بر ضرورت حفظ شأن و جایگاه آنها تأکید می‌کند: «قهرمانان با آثاری که از گذشته خود به جا گذاشته‌اند، جاودانه هستند. فرهنگ ملی را قهرمانان و پیشکسوتان نشان می‌دهند. باید فضای ورزش را پاک نگه داشت. پیشکسوتان الگوی نسل جوان هستند و باید جایگاه شایسته‌ای داشته باشند.»

همایون شاهرخی، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

احترام به جایگاه پیشکسوت در فوتبال مفهوم ندارد

گروه ورزشی / همایون شاهرخی، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال، با انتقاد از وضعیت پیشکسوتان در ورزش ایران معتقد است نام پیشکسوتان بزرگ است، اما رفتاری که امروز از سوی مدیران و مسئولان باشگاه‌ها با این گروه صورت می‌گیرد، با جایگاه و شأن آنها همخوانی ندارد.

او در ادامه با تأکید بر اینکه پیشکسوت به معنای پیشرو و مقدم است، توضیح می‌دهد: «پیشکسوت یک معنای عام در جامعه پیدا کرده و به هر کسی که سابقه‌ای در یک رشته ورزشی داشته باشد، این لقب را می‌دهند؛ اما معنای واقعی آن پیشرو و مقدم است و به افراد باتجربه‌ای گفته می‌شود که در کلام و رفتار نیز الگو هستند. افرادی که مدیران و مسئولان توانایی استفاده از ظرفیت‌های آنها را ندارند، درحالی‌که همفکری و مشورت با این افراد می‌تواند برای باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها گره‌گشا باشد.»



ملی‌پوش پیشین فوتبال ایران در ادامه به تفاوت جایگاه پیشکسوتان در فوتبال ایران و سایر کشورهای دنیا اشاره می‌کند و می‌گوید: «در فوتبال دنیا شرایط کاملاً متفاوت است و احترام به ورزشکاران پس از خداحافظی از دنیای قهرمانی بیشتر هم می‌شود؛ اتفاقی که به سود نسل‌های آینده خواهد بود. اما در ایران شرایط کاملاً برعکس است و زمانی که دوران قهرمانی یک ورزشکار به پایان می‌رسد، رسماً خانه‌نشین می‌شود. اگر هم از او استفاده‌ای صورت بگیرد، معمولاً به مواردی محدود می‌شود که با مدیریت همفکر و همسو باشد.»

همایون شاهرخی با ابراز تأسف از وضعیت معیشتی بسیاری از پیشکسوتان، ادامه می‌دهد: «امروز بسیاری از پیشکسوتان وضعیت مالی خوبی ندارند و به حمایت مالی نیازمندند. اغلب آنها مجبورند به کارهای دیگری مشغول شوند. هرچند همه چیز در پول خلاصه نمی‌شود، اما احترام پیشکسوت معنای خود را از دست داده است. در دنیای پرهیاهوی فوتبال ایران، تنها می‌توان احترام را در باشگاه چادرملو توصیف کرد؛ باشگاهی که این فرصت را به مرحوم حمید علیدوستی داد تا روزهای سخت بیماری‌اش را در مستطیل سبز پشت سر بگذارد. متأسفم که امثال من بهترین سال‌های عمر خود را در ورزش گذاشتیم و امروز با چنین رفتاری مواجه می‌شویم.»

سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال درباره حمایت صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان نیز می‌گوید: «فکر می‌کنم بودجه‌ای که در اختیار صندوق قرار گرفته، به اندازه‌ای نیست که بتواند مشکلات قهرمانان و پیشکسوتان را حل کند. آنها تنها به حقوق ماهیانه‌ای بسنده می‌کنند که حتی قابل گفتن هم نیست. به نظرم فقط جنبه مالی اهمیت ندارد؛ ای کاش با دعوت از پیشکسوتان و استفاده از تجربه‌های ارزشمندشان، احترام واقعی به آنها نشان داده شود.»